

## مطالعه تطبیقی تالش شمالی و جنوبی

شهرام امیر انتخابی

### چکیده

تالش از دو قرن پیش به دو بخش تقسیم شده است. بخش شمالی آن پس از الحاق به روسیه سپس حکومت شوروی و در نهایت جمهوری آذربایجان دچار دگرگونیهای زیادی گشت. علیرغم تمام مشترکات طبیعی و انسانی با تالش جنوبی (ایران)، تفاوتهای ساختاری، سیاسی و اقتصادی دلتهای دو سوی مرز، اثرات زیادی در دو بخش شمالی و جنوبی تالش بر جای گذاشته است. مقایسه این تحولات و تفاوتها موضوع اصلی این مقاله است.

### مقدمه

مطالعات تطبیقی بین نواحی ای که دارای ویژگیهای مشترکی هستند، در بررسی - هایی که هدف آنها دستیابی به توسعه مکانی - فضایی است، بسیار راهگشاست، بویژه اگر مطالعه بین نواحی ای انجام پذیرد که:

- ۱- بستر جغرافیایی، قومی و فرهنگی مشترک و مشابهی بین دو ناحیه وجود داشته باشد.
- ۲- در گذشته سرزمین واحدی را تشکیل داده باشند که تحولات و رویدادهای سیاسی و تاریخی آنها را از یکدیگر جدا ساخته است.
- ۳- در کشورها یا نظامهای سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی متفاوتی قرار داشته باشند.

تحولات سیاسی و نظامی سده های اخیر، موجب جدایی بخش هایی از قلمرو کشورما شده است. در مواردی مرزهای مصنوعی و تحمیلی ایجاد شده، آنچنان با عوامل و معیارهای جغرافیایی ناسازگارند که برخی از نواحی، ولایات و ایالاتی را که دارای چشم انداز طبیعی و چهره قومی همگنی بوده اند، تقسیم نموده و بخشی از آنها در قلمرو کشورهای همسایه قرار داده است. علاوه بر آذربایجان، کردستان و بلوچستان که مواردی شناخته شده هستند، تالش نیز، اگرچه ناحیه ای کوچکتر، اما نمونه ای جالب و قابل مطالعه از سرزمینهای دو تکه شده می باشد که هم دارای بستر طبیعی مشترک و هم ویژگیهای قومی و فرهنگی مشترکی می باشد. ویژگیهایی موجب شده تا این ناحیه هویت جغرافیایی خود را نسبت به نواحی پیرامون خود حفظ نماید. هویت جغرافیایی تالش بطور کلی از درهم تنیدگی عامل مورفولوژیکی رشته کوه تالش و عامل انسانی قوم تالش بوجود آمده است. بدین معنا که مسکن اصلی قوم تالش عمدتاً دامنه های شرقی و مرطوب این رشته کوه و دره ها و جلگه

ساحلی مجاور آن است. همچنین قومیت تالشی و ویژگیهای فرهنگی و زبانی آن از مهمترین عوامل هویت یابی ناحیه تالش است. همانگونه که می دانیم تالش در طی دو دوره جنگلهای ایران و روس در اوایل سده نوزدهم میلادی تجزیه شد و بخش شمالی آن از پیکره ایران جدا شده و جزئی از قلمرو دولت روسیه تزاری گردید. در نتیجه دو بخش شمالی و جنوبی تالش در قلمرو دولتهای جداگانه ای قرار گرفتند. عوارض این تقسیم سیاسی در یک محدوده قومی که همگنی طبیعی زیادی دارند کدامند. ابعاد این عوارض در دو بخش تالش چگونه است. در پاسخ می توان تصور کرد که حاکمیت نظامهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی متفاوت در دو سوی مرز سیستم برنامه ریزی و سیاستگذاریهای متفاوتی را بدنبال داشته است و دو بخش تالش روند تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی جداگانه ای را پشت سر گذاشته اند. این مسئله پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ بیشتر اهمیت پیدا می کند چرا که پس از آن رژیم سیاسی و سازمان اجتماعی - اقتصادی دو کشور تفاوت بیشتری پیدا کرد و مهمتر اینکه پس از استقرار نظام شوروی در روسیه، مرز دو کشور کاملاً بسته شده و روابط اقتصادی و فرهنگی دو طرف بمدت هفت دهه گسسته شده.

در نتیجه تالش شمالی و جنوبی بدون تماس با یکدیگر و حتی پشت به هم، تحولات مهمی را از سر گذرانیدند. اکنون با گذشت دو قرن جوامع و چشم انداز جغرافیایی دو سو در سایه نظام های سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی متفاوت دو کشور چه تفاوتهایی با یکدیگر پیدا کرده اند. با توجه به همگونی محیط طبیعی و زمینه های قومی، فرهنگی و تاریخی مشترک، الگوهای سکونت گزینی، شیوه تولید زراعی، روابط شهر و روستا، آمایش سرزمین، بخش های اقتصادی و توجه به مسائل زیست محیطی و بالاخره حفظ هویت قومی و ناحیه ای. تالش شمالی چه تفاوتی با نیمه جنوبی تالش در خاک ایران دارد؟ آگاهی بر تجارب بدست آمده در آنسوی مرزها، چه دستاوردها و نکات ارزنده ای را برای ما خواهد داشت.

## ۱- تحولات دو بخش تالش پس از جدایی

اکنون نزدیک به دو قرن از تجزیه تالش و جدایی بخش شمالی آن از ایران می گذرد پرسشی که در بسیاری از زمینه ها مطرح شود، اینست که: اثرات مکانی، فضایی و اقتصادی - اجتماعی این رخداد در طی دو قرن اخیر چیست. بعبارتی تال شمالی در سایه تجارب و تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متفاوت چه تفاوت های نسبت به نیمه جنوبی تالش پیدا کرده است. برای پاسخ به این پرسش باید دید که تالش شمالی از زمان جدایی از ایران چه دوره هایی را پشت سر گذاشته است. بطور کلی می توان این مدت را به سه دوره مجزا تقسیم کرد:

۱- دوران استیلای روسیه تزاری بر تالش (۱۹۱۷-۱۸۱۳)

۲- دوره تسلط شورویها از ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۱.

۳- دوره پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری آذربایجان که تالش شمالی نیز در قلمرو آن در آمد.

امپراتوری روسیه، بلافاصله پس از تثبیت حاکمیت خود بر تالش شمالی (۱۸۲۸)، حکومت محلی خانات تالش را برچید و این ناحیه را تحت عنوان قضای لنکران جزء ایالت شیروان به مرکزیت باکو قرار داد { امیر احمدیان، ۱۳۸۰: ص ۴۰} و نظام دیوانسالاری روسی را در آنجا حکمفرما ساخت. هیچ نشانه گویایی از سیاستهای قومی و فرهنگی سختگیرانه از جانب حکومت تزاری در مورد تالشان در این دوره در دست نیست. با اینحال بتدریج تعداد زیادی از ترکان آذری، روسها و ارامنه به این ناحیه مهاجرت نمودند.

اگر چه به شیوه ای استبدادی اداره می شد، اما از نظر قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی، همچنین سطح علمی و تکنولوژیکی بسیار پیشرفته تر از حکومت قاجاریه در ایران بود. با این حال تحولات سیاسی در ایران سریع تر بوقوع پیوست. بطوریکه انقلاب مشروطه در ایران، حدود ۱۰ سال زودتر از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه رخ داد. در جریان انقلاب مشروطه (۱۹۰۹ - ۱۹۰۶)، تالش یکی از کانونهای مبارزه بر علیه حکومت استبداد بشمار می آمد که طی آن اهالی تالش توانستند نظام فئودالی خانمها را از این ولایت برکنند.

در جریان انقلاب ۱۹۱۷ که بلشویک ها بر حقوق اقوام و ملیتها امپراتوری روسیه تاکید می ورزیدند، طی جنگهای داخلی بین طرفداران حکومت تزاری و بلشویک ها، نخبگان سیاسی، کارگران و دهقانان تالش شمالی در سال ۱۹۱۹، جمهوری تالش و مغان را در لنکران بنیان نهادند. این جمهوری چندماه بعد سرنگون شد و سرانجام در ۱۹۲۲ بلشویکها توانستند نظام سوسیالیستی شوروی را در منطقه قفقاز تثبیت نمایند.

از زمان تجزیه تالش تا این زمان (۱۹۲۲-۱۸۱۳) ارتباط تجاری و سیاسی اهالی دو سوی مرز قطع نشده بود و حتی در خلال انقلاب مشروطه و وقایع پس از آن، علیرغم دخالت دولت روسیه بنفع دولت استبدادی شاهان قاجار در ایران، انقلابیون دوسوباهم رابطه داشتند. اما باروی کارآمدن حکومت شوروی در روسیه مرزها بسته شد و بمدت هفت دهه هیچگونه ارتباطی بین دوسوی مرز برقرار نبود.

در تقشینات دولت شوروی، تالش شمالی جزئی از جمهوری سوسیالیستی، آذربایجان شناخته شد. اما با تاکید که در آغاز کمیسر امور ملیتهای شوروی (استالین) بر استقلال فرهنگی و سیاسی مشروط اقوام داشت، تالشها (که پس از ترکان آذری بزرگترین گروه قومی این جمهوری محسوب می شدند)، می توانستند، ادبیات و آموزش و پرورش خاص خود را به کار برده و آثار و نشریاتی را به زبان تالشی منتشر سازند. در سال ۱۹۳۷ ناگهان شرایط دگرگون گشت. آموزش تالشی از مدارس برچیده شد و کتب و نشریات و حتی برنامه

های رادیویی و تئاتر به زبان تالشی منع گردید. در همین سالها تعداد زیادی از اهالی تالش شمالی به تالش جنوبی گریختند. از آن پس دولت شوروی تالشها را جزء ملیت آذربایجانی بحساب آورد {عبدلی، ۱۳۷۸: ص ۱۵} بطوریکه در ۱۹۵۹ حدود ۸۹ تا ۹۵ درصد جمعیت بخشهای تالش، دارای ملیت آذربایجانی شدند.

این سیاست احتمالا مطابق میل اکثریت ترک زبان این جمهوری تعقیب می شد. علیرغم مهاجرت تعداد زیادی از تالشها به دیگر نقاط آذربایجان و سایر جمهوری های شوروی، از جمله آسیای مرکزی، تعداد تالشان در تالش شمالی دو برابر شد. به هر حال جدایی تا حد زیادی بی خبری دو سوی تالش تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی ادامه داشت تا اینکه بدنبال ایجاد فضای باز سیاسی و اصطلاحات اقتصادی در شوروی، نهضت های ملی گرایانه در جمهوری های شوروی پا گرفت و در آذربایجان شورشهایی بوقوع پیوست که منجر به از میان برداشتن ناگهانی موانع مرزی در دیماه ۱۳۶۸ (ژانویه ۱۹۹۰) گردید و روابط تجاری و خانوادگی بین دو طرف برقرار شد. دو سال پس از آن نیز با فروپاشی شوروی، تالش شمالی در چارچوب دولت نوپای جمهوری آذربایجان قرار گرفت که از زمان استقلال لا تنگناهای زیادی از جمله مشکلات فزاینده اقتصادی، اجتماعی و جنگ با ارمنستان روبرو گشته است. مسئله اقلیتهای قومی در جمهوری آذربایجان مهمترین مشکل داخلی آنهاست چرا که این کشور با شدت بیشتری سیاست استحاله قومی را دنبال می کند. در این ارتباط تالشها مهمترین اقلیت قومی در آذربایجان بشمار می آیند که بدلیل تاکید بر هویت قومی خود، تاکنون از پذیرش سیاست استحاله سرباز زده اند.

## ۲- تفاوت های مکانی - فضایی تالش شمالی و جنوبی

علیرغم ویژگیهای مشترکی که بین تالش شمالی و جنوبی وجود دارد. تفاوت هایی نیز از نظر موقعیت مکانی و شکل سرزمین بین این دو بخش مشاهده می شود که زمینه ساز تفاوت های فضایی و نحوه اشغال سرزمین و استقرار جمعیت در دو سوی مرز گردیده است و این عوامل عبارتند از :

### ۲-۱- موقعیت جغرافیایی متفاوت تالش شمالی و جنوبی :

از نظر شکل جغرافیایی تالش شکل طولی در جهت شمال - جنوب دارد. بخش جنوبی آن به جلگه وسیع گیلان می رسد، لیکن این منطقه در شمال به استپهای مغان و جلگه رود کورا ختم می شود که نسبت به جنوب سرسبزی کمتری دارد.

### ۲-۲- رشته کوه تالش

رشته کوه تالش در بخش شمالی پهنای بیشتر و ساختاری پیچیده تری دارند و از سه قوس موازی تشکیل شده اند. بطوریکه در چاله های کوهستانی بین آنها جمعیت قابل توجهی در دو شهرستان زووند(لریک) و یاردیملی ساکن شده اند. اما در بخش جنوبی رشته کوه تنها یک قوس سراسری تشکیل داده و پهنای اندکی دارند. در نتیجه دارای جمعیت دایمی چندانی نیست. در ارتفاعات میانی رشته کوه (مینه بندی دامدارانی بصورت پراکنده زندگی می کنند، ضمن آنکه در فصل تابستان ارتفاعات ییلاقی آن مسکن دامداران نیمه کوچرو و برخی از اهالی جلگه تالش می باشد.

### ۳- تفاوت در استقرار جمعیت بین تالش شمالی و جنوبی

بنابر عواملی که پیش تر به آن اشاره شد، چگونگی استقرار جمعیت و بارگذاری فعالیت در تالش شمالی و جنوبی تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند. در حال حاضر تالش شمالی (ایالت لنکران کنونی)، با مساحت تقریبی ۶۲۰۰ کیلومتر مربع ۷/۷۲٪ خاک جمهوری آذربایجان را تشکیل می دهد که شامل ۵ شهرستان (رایون) لنکران، آستارا و ماساللی در جلگه و زووند (بمرکزیت لریک) و یاردیملی در بخش کوهستانی می باشد. در نتیجه وسعت آن را از تالش جنوبی در ایران (۴۰۰۰ کیلومتر مربع) بیشتر است.

اما نیمی از مساحت کوهستانهای تالش شمالی که بالغ بر ۳۰۰۰ کیلومتر مربع می باشد، دارای اقلیمی نیمه خشک است. بنابراین تنها نیمی از محدوده تالش شمالی (عمدتا در شهرستانهای آستارا و لنکران) در جلگه خزری و کوهستانهای جنگلی مجاور آن قرار دارد، در حالیکه تالش جنوبی کاملاً در منطقه خزری واقع شده است. بنابراین وسعت محدوده خزری در تالش شمالی کمتر از بخش جنوبی آن است. با اینحال جمعیت تالش شمالی آشکارا بیشتر از تالش جنوبی است و این مسئله بخوبی از مقایسه تعداد شهرها و آبادیها و قدمت آنها قابل تشخیص است. علت این تفاوت جمعیت در چیست؟ چرا استقرار جمعیت در تالش شمالی تراکم بیشتری از تالش جنوبی دارد. در وهله نخست این مسئله را باید در نگرشها و سیاستهای متفاوت دولتهای دو طرف جستجو نمود که در موارد زیر با یکدیگر متفاوت است :

۱- دولتهای حاکم بر تالش شمالی (امپراتوری روسیه تزاری و شوروی) از نظر قدرت اقتصادی، فناوری و نظام اداری برتر از حکومتهای ایران بودند و در نتیجه توانایی و ظرفیت علمی و عملی بیشتری برای اجرای فعالیتهای عمرانی و سازماندهی فضایی و آمایش سرزمین داشته اند. از اینرو منابع و توان های بالقوه محیطی ناحیه، بیشتر و بهتر مورد بهره - برداری قرار گرفته است.

۲- اهمیت این ناحیه برای دولتهای دو سوی مرز یکسان نبوده است. تالش جنوبی تنها بخش کوچکی از استانهای خزری ایران را تشکیل می دهد و نسبت به نواحی و مراکز پراهمیت تر در موقعیتی حاشیه ای قرار

دارد و تا سالهای اخیر در اولویت اجرای طرح ها و برنامه های دولت قرار نداشته است. در حالیکه تالش شمالی علیرغم وسعت ناچیز خود در چارچوب گستره جغرافیایی روسیه و شوروی سابق و حتی جمهوری آذربایجان، دارای اهمیت زیادی است. چرا که تالش شمالی با اقلیم معتدل و مرطوب و پوشش جنگلی هیرکانی و خاک حاصلخیز، ناحیه ای منحصر بفرد و استثنایی محسوب می شود. بویژه اینکه برخی از محصولات گرمسیری همچون چای، برنج و ابریشم تنها در این ناحیه قابل گشت بوده و به اهمیت دلیل یک منطقه کشاورزی استراتژیک بشمار می رود.

پس از اشغال تالش شمالی، برای استحکام قدرت خویش و بهره برداری بهتر از منابع ناحیه، اقوام دیگری را در تالش اسکان دادند. مولف جواهر نامه لنکران ۳۰ سال پس از استیلای روسها یر تالش شمالی، درباره محال دشته وند در شمال می نویسد :

((...در این ازمنه بنا به هجوم طایفه مالکان و یهود که از اقصای روسیه اهتجار یافته {مهاجرت کرده اند} و جمعی به فضای این اراضی محول گشته اند، گذران بومیان به مضیق افتاده است و املاکش کفایت معیشت ایشان نمی کند و... صاحب منصب روسی کازیت ایسکی در قریه چاخرلوی این محال مزرعه ای ترتیب داده و روناس به محصول رسانیده است. و...الی الان به قرار چهارده قطعه دیه در صحاری و براری موغان روس و مسلمان معمور و آباد گشته و ....هفت قزیه دیگر اهالی روس از آنانی هستند که به نظر امنای دولت علیه از وطن مالوف مهجور و به توطن)) و سپس یه شرح هر یک از آنها و تعداد روسهای ساکن در آن می پردازند {عبدلی، ۱۳۷۸: ص ۴۳-۴۴} بتدریج حضور روسها حتی تا جنوبی ترین بخش ها نیز گسترش یافته است بطوریکه تا اواخر حکومت شوروی، روسها علاوه بر حضور در شهرها بعنوان تکنسین، کارمندان سازمانهای اداری و نظامی، دهکده های بزرگی را نیز در کوهپایه های این ناحیه بنا نهادند {بازن، ۱۳۶۷: ص ۶۳۷} علاوه بر این به مرور روسها سیاست جابجایی اقوام را نیز در ناحیه پیاده کردند و در عوض تعدادی از تالشها را به نواحی دیگر کوچاندند. در تالش جنوبی نیز بتدریج، تعداد زیادی از اهالی اردبیل، خلخال و گیلان مستقر گشتند. اما حکومت های ایران که همچون روسها اشغالگر محسوب نمی شدند یسایتهای جمعیتی خاصی را در تالش جنوبی اعمال نکردند و این مهاجرتها، تماما اختیاری انجام گرفت.

طبق نخستین سرشماری دولت شوروی در سال ۱۹۲۶، تالش با ۸۰۶۲۴ نفر جمعیت، اکثر ساکنین این ناحیه را تشکیل می دادند. اما آذربایجانی ها بتدریج حضور پرنگ تری در لنکران و بخشهای اطراف آن یافتند و زبان ترکی نیز بعنوان زبان ملی جمهوری آذربایجان در کنار زبان روسی جای خود را در تالش باز کرد و آنان در کنار روسها و سایرین بخش مهمی از جمعیت ناحیه را تشکیل دادند. بطوریکه در سال ۱۹۳۱ تالشها در بخشهای جلگه ای آستارا (۸۶/۴٪)، لنکران (۸۶/۳٪) و در بخش کوهستانی زووند (۸۲/۴٪).

جمعیت را تشکیل می دادند. در حالیکه در ماساللی در منتهی الیه شمالی تالشها حدود (۱/۳۰٪) و در یاردیملی در آخرین چاله کوهستانی غرب ناحیه تنها ۱/۲٪ ساکنین تالش بودند، (بازن، ۶۳۷:۱۳۶۷) طبق برآورد آکینر در ۱۹۷۰ تعداد تالشان در شوروی به ۱۵۰ هزار نفر رسید (آکینر، ۵۵:۱۳۶۷) و بدین ترتیب تعداد تالشها در ۴۴ سال ۸۷٪ افزایش یافت. با اینحال ضریب رشد جمعیت تالشها کمتر از مجموع جمعیت جمهوری آذربایجان (۱۲۰٪) بوده است که بیانگر آذری گرایی بخشی از تالشها است. بحرحال از آن پس نیز جمعیت تالشها افزایش یافته و می توان گفت که نیمی از جمعیت ایرانی زبان جمهوری آذربایجان یعنی تالشها، تاتها، لزگیها و کردها جمعیت اصلی این گروه را تشکیل می دهد. عبدلی به استناد آمار ۱۹۸۹ جمعیت تالشهای شهرستانهای (رایون ها) آستارا ۶۹۱ هزار نفر، یاردیملی ۴۰ هزار نفر، لریک ۵۴ هزار نفر، و جلیل آباد را ۶۴ هزار نفر ذکر می کند (عبدلی، ۱۶:۱۳۷۸) که مجموع آنها به ۳۳۴ هزار نفر می رسد. بدین ترتیب باید جمعیت تالشها در کمتر از دو دهه (۱۹۷۰-۱۹۸۹) بیش از دو برابر افزایش یافته باشد. منابع دیگری نیز در این کشور حاکی از نرخ رشد بالای جمعیت در تالش شمالی است. بطوریکه از ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۰ بیش از ۳۴۰ هزار نفر به جمعیت تالشان افزوده شده و جمعیت روستایی نیز به ۲۸۷ هزار نفر (۵/۲ برابر) رسیده است. میانگین تراکم جمعیت حدود ۱۰۰ نفر در کیلومتر مربع در جلگه لنکران مشاهده می شود. این تراکم در جلیل آباد حدود ۸۰ نفر، و در بخشهای کوهستانی همچون لریک به ۶۰-۸۰ نفر در کیلومتر مربع بالغ می گردد (امیر احمدیان، ۱۹:۸۰) بخش کوهستانی اخیر از نظر مردان و زنان کهنسال در جهان شهرت دارد.

(centenarians in azerbaijan ۱۹۹۴) علت این افزایش سریع جمعیت را نباید صرفاً به رشد طبیعی جمعیت مربوط دانست، بلکه مساعدت طبیعی، زمینهای اقتصادی مساعد و ساستهای جمعیتی شوروی در جابجایی اقوام و تزریق جمعیت به تالش شمالی، مهاجران زیادی را به این ناحیه کشانده است. بطوریکه طبق برآوردهای سال ۲۰۰۳، جمعیت تالش شمالی به ۷۵۹۴۰۰ نفر یا ۹/۲٪ جمعیت جمهوری آذربایجان رسیده است. حدود ۲۰٪ ساکنان منطقه در ۶ نقطه شهری زندگی می کنند و بقیه جمعیت در ۶۲۰ نقطه روستایی مستقر هستند که ۱۶ نقطه آن روستا - شهر است (امیر احمدیان، ۸۰:۲۰) اما جمعیت شهرستانهای تالش جنوبی (آستارا . طوالش) طبق آمار فرهنگ آبادیهای کشور در سال ۱۳۲۸ (۱۹۴۹) حدود ۱۰۶۵۸۸ نفر بوده است و در سرشماری سال ۱۳۳۵ نیز جمعیت آن به ۱۱۶۴۷۱ نفر رسید. جمعیت تالش جنوبی در سرشماری سال ۱۳۴۵ به ۱۶۳۵۹۶ نفر، ۱۳۵۵ نفر، ۲۰۳۴۶۳ نفر، ۱۳۶۵ نفر، ۲۸۳۱۲۰ نفر، ۱۳۷۰ نفر، ۳۱۰۹۲۴ نفر و بالاخره در سال ۱۳۷۵ به ۳۲۵۶۷۴ نفر رسید. بنابراین جمعیت این ناحیه کمتر از نیم قرن سه برابر شد و تراکم جمعیت از ۲۹ نفر به ۸۱/۳ نفر در کیلومتر مربع رسید. اکنون اگر رشد جمعیت تالش جنوبی را ۱/۵٪ بدانیم، در سال ۱۳۸۲ جمعیت تالش جنوبی بیش از ۳۶۰۰۰۰ نفر خواهد بود که باز هم از نصف جمعیت تالش شمالی کمتر است. تراکم و تمرکز جمعیت در تالش ایران همانگونه که مارسل - بازن محاسبه کرده است، بیشتر در بخشهای شرقی جلگه ای و ساحلی و بطور کلی بین ارتفاعات ۱۰۰ متر تا ساحل دریا است و حدود ۸۰٪ جمعیت ناحیه در زمان مطالعه بازن (اواخر دهه ۵۰ خورشیدی) در بخشهای جلگه ای ساکن بودند. ارتفاعات با اینکه بخشی وسیعی از

تالش جنوبی را تشکیل می دهند، عمدتاً خالی از سکنه است و عملاً در ارتفاعات بالای ۱۸۰۰ متر مسکن دائمی وجود ندارد (بازن، ۱۳۶۷: ۱۴۷) بطور حتم این نسبت در سالهای بعدی کتر نیز شده است. این امر بخاطر جذب جمعیت به شهرها و آبادیهای جلگه است که متأثر از مهاجرتهای درون ناحیه ای و برون ناحیه ای می باشد. ضمن آنکه با اجرای طرح اسکان جنگل نشینان، تعداد زیادی از تک خانوارهای ساکن در مینه بندی (میان بندی) درز بخشهای جلگه ای اسکان داده شده اند. در حالیکه عریض بودن و چند رشتگی کوهستانهای تالش شمالی و توجه دولت شوروی به امر جهانگردی در این ناحیه موجب شده، تا کوهستانهای این ناحیه دارای تعداد شهر از جمله لریک و یاردیملی با جمعیت قابل توجهی باشد.

#### ۴ - تفاوت شبکه شهرها در تالش شمالی و جنوبی

تالشها در یکی دو قرن اخیر عمدتاً کوه نشینی و زندگی مبتنی بر کوچ شبانی را به زندگی در سکونتگاههای ذایمی جلگه ای ترجیح می دادند و پس از استقرار حکومتهای محلی تابع دولت مرکزی، بتدریج در جلگه های مجاور کوهستان ساکن گشته و سکونتگاههای بزرگ و بازارهای محلی را در کنار مصب رودخانه ها بوجود آوردند. ایجاد مراکز حکومتی خانه نشین در شکل گیری و تکامل و توسعه شهرهای تالش نقش موثری داشته است. مراکز عمده شهری نخست در تالش شمالی شکل گرفتند به همین خاطر شهرهای تالش شمالی مهمتر، قدیمی تر، توسعه یافته تر و بزرگ تر می باشد. در حالیکه شهرهای تالش جنوبی بسیار نوپا هستند. در اواخر سده هجدهم میلادی مرکز حکمرانی تالش به بندر کوچک لنکران منتقل شد (امیراحمدیان، ۱۶۸: ۱۳۸۱) در این زمان بخش جنوبی تالش، یک محدوده روستایی و عشایری تابع لنکران و آستارا محسوب می شد. اما با تجزیه تالش، مرکز این ایالت (لنکران) و نیمی از آستارا درز قلمرو دولت روسیه قرار گرفت و بدین ترتیب تنها شهر تالش جنوبی، نیمه جنوبی بندر آستارا بود که در کنار مرز و منتهی الیه شمالی تالش ایران قرار داشت و پایین تر از آستارا تنها بازارهای محلی در کرگانرود، اسالم و سفارود وجود داشت. با استقرار خان نشین های پنجگانه و استقرار حاکمی در مرکز هر بلوک نطفه های شهرهای جدید تالش شکل گرفت. بویژه هشتپر مرکز کرگانرود که مدتها مرکز کل خمسه طوالش نیز محسوب می شد، پس از یک دوره رکود بعد از مشروطه، در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، مرکزیت یافت و به مهمترین شهر تالش جنوبی تبدیل شد. در تالش شمالی هم به لحاظ پیشینه و اهمیت سیاسی، شهرهای لنکران و آستارا رونق بیشتری پیدا کردند و روسها مراکز جمعیتی جدیدی را در کنار آستارا و لنکران ایجاد نمودند. در تالش شمالی حدود ۸۰٪ جمعیت روستانشین و تنها ۲۰٪ آنها در ۶ نقطه شهری ساکن هستند. به همین ترتیب در تالش جنوبی نیز شهرها عموماً کوچک بوده و حدود ۲۱٪ جمعیت شهرستانهای تالش در ۸ نقطه شهری آن زندگی می کنند.

#### ۵- وضعیت اقتصادی و اجتماعی در تالش شمالی و جنوبی

اجرای سیاستهای اقتصادی کلان و منطقه ای در دو سوی مرز یکسان نبوده و بهمین دلیل چشم انداز های معیشتی و سیاستهای توسعه منطقه ای روند متفاوتی را در تالش شمالی و جنوبی طی کرده اند. بازن بر اساس همین برداشت سطح توسعه - یافتگی اقتصادی را در تالش شمالی بیشتر ارزیابی کرده است. دلایل توجه دولت شوروی سابق به تالش شمالی را می توان در موارد زیر مورد توجه قرار داد:

- اهمیت سیاسی و نظامی تالش شمالی برای شورویها بدلیل موقعیت استراتژیک بسیار حساس تالش.
- تضعیف همگرایی قومی با تالش ایران به دلیل ایرانی بودن تالشان از طریق امتیازات اقتصادی .
- تثبیت معیشت بعنوان ابزاری برای بی تفاوتی در مقابل اجرای سیاستهای استحاله فرهنگی .
- توسعه راهها و دسترسیمهای زمینی و هوایی برای دسترسی بهتر و سریع به مرز های ایران.
- کوشش برای صنعتی کردن منطقه از طریق ایجاد صنایع غذایی، تبدیلی و ساختمانی.
- اجاد مراکز پژوهشی و فرهنگی و آموزش در سطوح عالی برای آموزش و ارتقای مهارتهای حرفه ای.
- توسعه گردشگری و ایجاد تاسیسات زیر بنایی وابسته به آن برای برقراری ارتباطات اجتماعی با سایر اقوام ساکن در شوروی.

در تالش جنوبی دولت ایران نسبت به اینگونه مسایل توجه کمتری نشان می داد به استثنای صنایع چوب برای اسالم در اواخر دهه ۱۳۴۰ و چوب و کاغذ (چوکا) در اواخر دهه ۱۳۵۰ در تالش دولاب، اقدام صنعتی دیگر در منطقه انجام نگرفت.

بطور کلی می توان گفت که در قلمرو تالش جنوبی دولت ایران بیشتر به سیاست مرزگریزی تمایل داشت تا مرزگرایی به همین دلیل نواحی مرزی تالش بطور اخص و دیگر نواحی آن بطور اعم کمتر مورد توجه بوده و در محور برنامه های توسعه ای قرار داشتند. این سیاست در سالهای پس از انقلاب رویکرد جدیدی پیدا کرده و دولت ایران کوشید که با توسعه راهها، تقویت شهرها و اجرای تقسیمات سیاسی - اداری جدید، هر چه بیشتر تالش جنوبی را با مناطق داخلی پیوند دهد. تنها پس از فروپاشی شوروی بود که توسعه جهشی در منطقه تالش جنوبی شکل - گرفت و نقاط شهری و روستایی آن از تجهیزات و خدمات زیر بنایی و رفاهی برخوردار شدند.

## ۶- چشم انداز روستایی در تالش شمالی و جنوبی

نظام سکونتگاههای روستایی از نظر شبکه فضایی در محدوده گسترده تری در تالش شمالی پراکنده شده اند. در حالیکه در تالش جنوبی اصلی ترین سکونتگاههای روستایی در امتداد جاده اصلی آستارا - هشتپر

انزلی شکل گرفته و یخشهای کوهستانی و کوهپایه بدلیل شرایط توپوگرافیکی و مشکلات دسترسی فاقد روستاهای پرجمعیت است.

تراکم کشتزارهای برنج و باغات میوه، شهرها و روستاها تماما در ناحیه جلگه ای دیده می شود. در حالیکه در تالش شمالی توزیع فضایی جوامع روستایی در نوعی شبکه هندسی غیر خطی ششگوشه و تقریبا شکل متوازی دارند. علاوه بر آن معیشت در تالش شمالی تنها به فعالیتهای کشاورزی مانند تالش جنوبی محدود نشده و تعدادی از روستاییان در صنایع وابسته به کشاورزی اشغال دارند.

## ۷- ویژگیهای فعالیتهای کشاورزی در تالش شمالی و جنوبی

اهم این ویژگیها را که در تالش شمالی حاصل یک نظام برنامه ریزی متمرکز و در تالش جنوبی یک روند غیر متمرکز بوده، می توان در موارد زیر برشمرد :

- فضای کشاورزی از نظر اندازه واحدهای بهره برداری در دوره تسلط روسها یکپارچه بیشتری داشته، لیکن این آرایش فضایی در سالهای پس از فروپاشی دگرگون شده ولی شکل اولیه خود را تا حدودی حفظ کرده است. در حالیکه تالش جنوبی بدنبال اجرای سیاست تقسیم اراضی، واحدهای بهره برداری کوچکتر شده و هر چند که در ظاهر آن نوعی یکپارچگی دیده می شود، لیکن در عمل به واحدهای کوچکتری تقسیم شده اند.

- در تالش جنوبی شبکه آبیاری عمدتا سنتی بوده و بر اساس روال گذشته نهادهای طبیعی شبکه آبیاری کشاورزی را تشکیل می دهند. تنها در نواحی جنوبی تالش که در حوزه آبرسانی سفید رود قرار دارد، شبکه آبیاری صنعتی پیاده شده است. در تالش شمالی نظام شبکه آبیاری از نهرا و کانالهای نطقی تشکیل شده است. - کشت برنج که از کشتهای قدیمی هر دو قسمت تالش است، بدلیل اجرای سیاستهای ساماندهی کشاورزی توسط شوروی سابق در تالش شمالی بوسیله کشت های تخصصی دیگر جایگزین شده است. در حالیکه در تالش جنوبی هنوز اصلی ترین منظر زراعی را کشت برنج تشکیل می دهد.

- کشت چای که در شهرستانهای تالش جنوبی معمول نیست در تالش شمالی گسترش چشمگیری دارد. پیکه حدود ۱۳۴۰۰ از اراضی تالش شمالی زیر کشت چای قرار دارد و از مزارع چای آن سالانه ۳۲۷۰۰ تن برگ سبز چای و ۸۵۰۰ تن چای خشک برداشت می شود. تولید چای تالش شمالی حدود ۹۰٪ چای جمهوری آذربایجان را تامین می کند.

- کشت مرکبات در مزارع اشتراکی و نیمه دولتی اطراف آستارا تمرکز یافته ولی در تالش بعنوان کشت تجاری گسترش قابل توجهی ندارد.

پرورش نوغان و تولید ابریشم در تالش شمالی در سال ۱۹۶۳ حدود ۳۰ تا ۵۵٪ در آمدهای حیوانی را

تشکیل می داد(گیول، ۱۹۶۹، ۱۴۹)، در حالیکه در تالش جنوبی این فعالیت اهمیت زیادی ندارد. در تالش جنوبی بویژه در دهستان جوکندان کشت توتون از چند دهه قبل رونق زیادی پیدا کرده است.

- کشت غلات و تاکستانها در تالش شمالی در نواحی کوهپایه ای و شمال لنکران عمومیت دارد. در تالش جنوبی کشت غلات بتدریج جای خود را به کشتهای تجاری مانند لوبیا سبز یا علوفه داده است.

## ۸- صنعت فرش بافی و صنایع دستی

در تالش شمالی بدلیل همجواری و تهامل تنگاتنگ با ترک زبانان بافت فرش دستس رونق زیادی پیدا کرده و فرش تالش با نقش و نگارهای از گل و ستاره و حواشی با رنگهای آبی، زرد و قرمز شهرت زیادی پیدا کرده است که فرش لنکران از آن جمله است. کناره های تالشی، حصیر بافی، جاجیم و گلیم نیز از جمله صنایع دستی مهم در تالش شمالی هستند. در تالش جنوبی تنها در سالهای اخیر بافت انواع گلیم رواج یافته و بافت جاجیم های سنتی تقریباً منسوخ شده است.

## ۹- نتیجه گیری

ناحیه تالش به لحاظ ویژگی های محیط طبیعی و مشخصات قومی فرهنگی و تاریخی، ناحیه ای مشخص و همگن را نسبت به سرزمینهای اطراف خود تشکیل می دهد که پس از جنگلهای ایران و روسیه در اوایل قرن نوزدهم میلادی نیمه شمالی آن قلمرو ایران جدا گردید و از آن پس از دو نیمه تالش علیرغم تمام ویژگی های مشترک در محدوده دو کشور با نظام سیاسی و اقتصادی متفاوتی قرار گرفتند. چشم انداز جغرافیایی و نظام زیست و معیشت، و شیوه های تولید و فالیعتهای اقتصادی آنان، تحت تاثیر عوامل سیاسی با یکدیگر تفاوت پیدا کرده و امکان نتیجه گیری زیرا را فراهم می سازد :

۱- تالش شمالی بعلت شرایط و ویژگیهای جغرافیایی منحصر بفرد خود، چه در دوره دولتهای روسیه تزاری و شوروی و چه اکنون مورد توجه قرار گرفته و به دلیل توانهای خاص کشاورزی، منابع طبیعی و جنگل و نیز جاذبه - های گردشگری، از امکانات و زیر ساختهای اقتصادی بهتری برخوردار شده است در حالیکه تالش جنوبی تنها جزء کوچکی از جلگه های پست ساحلی کناره دریای خزر را تشکیل می دهد. به همین علت نسبت به بخشهای دیگر این منطقه عقب مانده تر است و زیر ساختهای لازم اقتصادی و فیزیکی در گستره آن نسبت به سایر نواحی استان گیلان بوجود نیامده است. اقدامات دو دهه اخیر نتوانسته کاستیهای گذشته را جبران نماید.

۲- اگر چه مساحت هر دو بخش تقریباً یکسان است، جمعیت و سکونتگاه‌های روستایی و شهری در تالش شمالی بیشتر از تالش جنوبی است که علاوه بر اهمیت تاریخی سکونتگاه‌های تالش شمالی، عوامل سیاسی و اقتصادی نیز در آن موثر بوده است. بدین ترتیب که دولتهای حاکم بر تالش شمالی بعلت اهمیت که این ناحیه برای آنها داشت، به اسکان جمعیت در این سرزمین پرداختند. در همین سیاست هویت زدایی را بطرز زیرکانه به اجرا در آوردند. علاوه بر تمام بخشهای جلگه ای، کوهستانهای تالش شمالی نیز مسکونی شده در حالیکه در تالش جنوبی سکونتگاه‌های شهری و روستایی کوچک، کم جمعیت تر و جدید بوده و بیشتر آنها در جلگه ها و پیرامون تنها جاده سراسری این ناحیه متمرکز گردیده و در کوهستانها نیز جمعیت اندک و پراکنده ای بصورت جنگل نشینان و دامداران نیمه کوچرو زندگی می کنند.

۳ - بر اثر سیاستهای خاص و متمرکز اقتصادی دولت شوروی در مورد نحوه و شیوه کشت و نوع محصولات کشاورزی، تالش شمالی بتدریج کشت سنتی برنج را در جلگه های مساعد خود رها ساخت و به کشت چای، مرکبات و محصولات جالیزی روی آورد و دارای تنوع کشت گردید در حالیکه تالش جنوبی همچنان به کشت سنتی برنج وفادار مانده و در فضاهای جدید زیر کشت نیز این نوع کشت را توسعه داده است. با اینحال کشتزارهای تالش جنوبی پس از اصطلاحات ارضی به قطعات کوچک تقسیم شده در حالیکه با اجرای سیستم مزارع یکپارچه و مشترک سوفخور و کالخور در تالش شمالی مزارع کشاورزی این ناحیه یکپارچه گردیده است.

۴ - در تالش شمالی بیش از تالش جنوبی از منابع دیگر طبیعی برای بهره برداری های اقتصادی استفاده شده است. مثلاً توسعه چشمه های آب معدنی و جاذبه های جهانگردی کوهستانها و گسترش بخشهای صنعتی، بوژه صنایع وابسته به مواد خام کشاورزی در تالش شمالی بسیار چشمگیر بوده است.

۵- علیرغم اختلافاتی که در بالا به آنها اشاره گردید، هنوز هم مواردی مشابه در دو بخش تالش وجود دارد که می توان به شکل و معماری سکونتگاه‌های روستایی و تشابه وسیع آنها به یکدیگر اشاره کرد.

### فهرست منابع :

۱- آکینر، شیرین، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمد حسین، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷.

۲- امیر احمدیان، بهرام، جغرافیای کامل قفقاز، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع، ۱۳۸۱.

۳- بازن. مارسل، طالش منطقه ای قومی در شمال ایران، ترجمه مظهر امین فرشچیان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷.

۴ - فصلنامه تحقیقات تالش، شماره اول پاییز ۱۳۸۰، تالش.

۵- فصلنامه تحقیقات تالش، شماره دوم زمستان ۱۳۸۰، تالش.

۶- عبدلی. علی، چهار رساله در تاریخ و جغرافیای تالش، نشر گیلکان، رشت ۱۳۷۸.

۷- عبدلی. علی، تالشی ها کیستند؟، رشت ۱۳۶۷

۸- ک. گیول، جغرافیای طبیعی جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی، باکو ۱۹۶۹.

۹- لنکران، باکو، انتشارات اشیق، ۱۹۸۸.

in azerbaijan, international, autumn, 1994, centenaries in azerbaijan .

منبع : فصلنامه تحقیقات تالش شماره ۱۱

برگرفته از: [www.taleshan.com](http://www.taleshan.com)